

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۰۱.۰۸.۱۰

ایران در هفته‌ای که گذشت

جمعه ۸ مرداد ماه [اسد]

تحریم‌های اروپایی، یک معضل جدی برای جمهوری اسلامی

مهم‌ترین رویداد سیاسی این هفته که واکنش وسیعی را از سوی مقامات دولتی در پی داشت، تحریم‌های اتحادیه اروپا بود.

روز دوشنبه، ۴ مرداد ماه، اتحادیه اروپا، یک رشته تحریم‌ها را علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد که تاکنون تحریمی در این ابعاد علیه کشور دیگری اعمال نکرده است. طبق این تصمیم جدید اتحادیه اروپا، ۴۱ تن از مقامات رژیم، متجاوز از ۳۵ مؤسسه مالی، صنعتی و خدماتی به همراه شعبات و شرکت‌های وابسته به آن‌ها در مجموع حدود ۷۰ شرکت، در لیست سیاه قرار گرفتند. سرمایه‌گذاری در رشته‌های نفت و گاز ممنوع گردید، شرکت‌های حمل بار دریایی و هوایی که مقصد آن‌ها ایران است، مشمول کنترل و بازرسی قرار گرفتند و بر نقل و انتقال بانکی نیز محدودیت‌های شدیدتری نسبت به گذشته اعمال می‌گردد. مقامات اتحادیه اروپا ابزار اطمینان نمودند که در پی تحریم‌های جدید شورای امنیت، تحریم‌های یک جانبه دولت آمریکا در مورد فروش بنزین، این مجموعه تحریم‌های اروپایی، این بار تأثیرگذار خواهد بود. گرچه در اظهار نظر سران و مقامات جمهوری اسلامی پیرامون این تحریم‌ها، نگرانی وجود داشت. با این وجود، آن‌ها هر یک به نحوی بر همان مواضع گذشته رژیم تأکید کردند. واکنش وزارت امور خارجه، شکلی دیپلماتیک داشت. منوچهر متکی، پس از پایان اجلاس سه جانبه وزرای خارجه برزیل، ترکیه و جمهوری اسلامی، اعلام کرد: ایران، آماده است فوراً مذاکرات با گروه ۱ + ۵ را از سر بگیرد. اما مذاکره بر سر چیست؟ پاسخ این سؤال را نماینده جمهوری اسلامی در آژانس بین‌المللی انرژی می‌دهد که چند ساعتی پس از اعلام تحریم‌های اتحادیه اروپا نامه‌ای را به مدیر آژانس تحویل داد. وی در مصاحبه با خبرگزاری فارس در مورد مفاد این نامه اعلام کرد: ایران آماده است، بدون هیچ شرطی مذاکرات پیرامون سوخت راکتور تهران را آغاز کند. اما اگر قرار بود مذاکره بر سر این مسأله آغاز شود، از مدت‌ها پیش نه فقط آغاز، بلکه به نتیجه

نیز رسیده بود. بنابر این، اقدام به ارسال نامه، یک حرکت دیپلماتیک، اما مسخره است. چون پیشاپیش هر دو طرف اعلام کرده‌اند که این بحث فرعی‌ست، اصل مسأله چیز دیگری‌ست.

احمدی‌نژاد در یک گفتگوی تلویزیونی با پرس تی وی (Press TV)، به اصل این نزاع اشاره کرد و مواضع واقعی جمهوری اسلامی را بار دیگر اعلام نمود. وی خلاف اظهارات نماینده جمهوری اسلامی در ژانوس، برای این مذاکرات، شرط و شروطی گذاشت که پیش از این نیز به آن‌ها اشاره کرده بود. وی آغاز مذاکرات را مشروط به حضور برزیل و ترکیه در این مذاکرات نمود و علاوه بر این خواهان موضع‌گیری رسمی طرف‌های مذاکره، بر سر بمب‌های اتمی اسرائیل شد. احمدی‌نژاد از آن رو برای این مذاکرات شرط و شروط قایل می‌شود که می‌داند مسائل مورد اختلاف، چنان جدی‌ست که با مذاکرات دیپلماتیک حل نمی‌شود. شورای امنیت به‌ویژه قدرت‌های اروپائی و آمریکا خواهان توقف غنی‌سازی اورانیوم هستند، جمهوری اسلامی اما آن را نپذیرفته و نمی‌تواند بپذیرد. چرا که در پشت سر مسأله غنی‌سازی نزاع بر سر توسعه طلبی دو گروه، در منطقه خاورمیانه قرار دارد. بنابر این، احمدی‌نژاد در همین گفتگوی تلویزیونی بار دیگر اعلام کرد که بحث توقف غنی‌سازی مختومه است، و مذاکره می‌تواند بر سر دغدغه‌های بین‌المللی طرفین صورت بگیرد. اصل مسأله نیز در همین جاست و دقیقاً به همین علت است که به یک نزاع لاینحل تبدیل شده است. یعنی از طریق دیپلماسی نمی‌تواند حل شود، بلکه فقط از طریق اعمال زور و قدرت می‌تواند حل شود. تحریم‌ها نیز یکی از اشکال اعمال زور و قدرت برای وا داشتن جمهوری اسلامی به تبعیت است. بنابر این بی دلیل نیست که سران و مقامات جمهوری اسلامی همواره گفته‌اند که تحریم‌ها هیچ تاثیری بر مواضع آن‌ها نخواهد داشت. احمدی‌نژاد در همین مصاحبه نیز می‌گوید: اگر ۴ هزار بار دیگر هم تحریم کنند، فایده‌ای برای آن‌ها نخواهد داشت. آن‌ها خودشان را تحریم می‌کنند. وی می‌افزاید، بالعکس، این تحریم‌ها برای مردم ایران فایده‌های بسیار دارد. تاثیر آن در حدیست که "سرعت پیشرفت ملت ایران را چند برابر می‌کند." البته این دیگر از نوع تبلیغات مختص و ویژه احمدی‌نژاد است. والا هر آدم کم اطلاعی هم می‌داند که تحریم‌های بین‌المللی سرعت پیشرفت یک ملت را به چند برابر افزایش نمی‌دهد، بلکه شدیداً کاهش می‌دهند و یا لااقل آن را کند می‌کنند. آن هم کشوری سرمایه‌داری از نمونه ایران که تمام موجودیت اقتصادی‌اش وابسته به بازار جهانی سرمایه و تقسیم کار بین‌المللی در این بازار است. احمدی‌نژاد، خودش نگرانی ندارد، چون رئیس جمهور است، با درآمد هنگفت، نه بیکار می‌شود که بداند ملیون‌ها بیکار در ایران چگونه زندگی می‌کنند، نه افزایش روزافزون بهای کالاها بر زندگی او تاثیر دارد و نه نگران عواقب حادثه‌های درگیری‌هاست. تحریم‌ها هر شکلی که به خود بگیرد، سرانجام بار آن بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش خواهد بود. حتا در آنجائی که مستقیماً منابع مالی دولت هدف قرار می‌گیرد، دولت تلاش می‌کند، مخارج خود را به اشکال مختلف از توده مردم تأمین کند. مادام که درآمدهای رژیم از طریق فروش نفت و گاز کاهش قابل ملاحظه‌ای نداشته باشد، رژیم در محدوده‌ای هنوز می‌تواند ادعا کند که تحریم‌ها تاثیری نخواهد داشت. اما با گسترش روزافزون دامنه این تحریم‌ها، همین منابع نیز محدودتر می‌گردد. تحریم‌های اتحادیه اروپا به ویژه در آن بخش که سرمایه‌گذاری در رشته‌های نفت و گاز را ممنوع یا محدود می‌سازد، البته عواقب دراز مدت جدی برای رژیم در پی خواهد داشت. محدودیت نقل و انتقالات پولی و مالی، به حالت تعلیق درآوردن ضمانت‌های دراز مدت برای صادرات، افزایش بیمه کالاها، تاثیرات فوری‌تری در پی خواهد داشت. علاوه بر این، تعداد زیادی از مؤسسات تولیدی مشمول تحریم، برای ادامه فعالیت خود به مواد خام، کالاهای واسطه‌ای و قطعات پیش ساخته نیاز دارند که خرید آن‌ها از کشورهای دیگر مستلزم افزایش هزینه‌هاست. علاوه بر این، بسیاری از کشورهای دیگر جهان نیز ناگزیرند مستقیم یا غیر مستقیم در این تحریم مشارکت داشته باشند. چرا

که فقط مسأله تحریم‌های شورای امنیت در میان نیست. مهمترین انحصارات صنعتی و مالی جهان در دست قدرت‌های اروپائی و آمریکا و متحدین آنهاست. و کشورهای دیگر به ناگزیر وارد این ماجرا می‌شوند. بنابر این از آنجائی که مناسبات اقتصادی و مالی جمهوری اسلامی با اروپا، همواره در سطحی گسترده قرار داشته است، کارائی تحریم‌های اتحادیه اروپا بسیار جدی‌تر از تحریم‌های یک جانبه آمریکا خواهد بود. سران و مقامات جمهوری اسلامی به رغم موضع‌گیری علنی‌شان مبنی بر این که تحریم‌ها تاثیری نخواهد داشت، اکنون جداً نگران عواقب این تحریم‌ها هستند. وزرای اقتصادی کابینه احمدی‌نژاد به مردم اطمینان می‌دهند که تدارک لازم برای مقابله با تحریم‌ها انجام گرفته است. معاون ارزی بانک مرکزی اعلام کرد، متناسب با تحلیل شرایط دارائی‌های خارجی را منتقل می‌کنیم. وی افزود: "بانک مرکزی باید به دنبال راهکارها و شیوه‌هایی باشند که این دارائی‌ها را مصون نگه دارد و هر زمانی که نخواهد قابلیت استفاده و نقدینگی داشته باشد. معاون ارزی بانک مرکزی در مورد بلوکه شدن دارائی شرکت‌های وابسته به نیروهای مسلح رژیم در دوی نیز گفت چنانچه این شرکت‌ها تحت سازمان ملل باشند، احتمالاً به امارات نیز تحریم این شرکت‌ها ابلاغ شده است. وی وعده داد که از طریق دارائی‌های خارجی می‌توان شرایط بحران را پشت سر گذاشت.

یک عضو هیأت رئیسه مجلس نیز در مورد تاثیرات این تحریم‌ها در گفتگو با خبرگزاری مهر گفت: "البته تحریم‌ها مشکلات و زحماتی را برای برخی بخش‌های اقتصادی کشورمان ایجاد خواهد کرد." اما "اروپا در اتخاذ سیاست‌های خود چندان پایدار نیست. با گذشت زمان آنها متوجه اقدام اشتباه خود می‌شوند، اما وظیفه دولت و ملت است که با رصد این گونه اقدامات اروپائیان سیاست آینده خود را طراحی کنند." واقعیت اما این است که نه دارائی‌های خارجی در آن حد است که به ادعای معاون بانگ مرکزی جمهوری اسلامی بتواند با تحریم‌های گسترده مقابله کند و نه دولت می‌تواند کار خارق‌العاده‌ای برای خنثی کردن اثرات آنها انجام دهد. تا جایی که مسأله به تحریم‌های اقتصادی مربوط می‌شود، اوضاع اقتصادی و مالی رژیم در نتیجه این تحریم‌ها وخیم‌تر خواهد شد.

زمینه سازی ذهنی برای درگیری‌های نظامی آتی

جمهوری اسلامی تدریجاً در حال آماده کردن این ذهنیت در میان مردم است که در آینده‌ای نزدیک احتمال وقوع یک جنگ وجود دارد. احمدی‌نژاد در فاصله چند روز، مکرر در مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های خود، بر این مسأله تأکید کرده است که در سه ماه آینده، دو کشور، هم پیمان جمهوری اسلامی مورد حمله نظامی قرار می‌گیرند تا پای جمهوری اسلامی نیز به این درگیری کشیده شود. وی در آخرین گفتگوی تلویزیونی خود نیز بر این مسأله تأکید کرد و گفت: "من اطلاع می‌دهم، آنها تصمیم گرفتند تا سه ماه آینده علیه حداقل دو کشور منطقه عملیات انجام دهند." احمدی‌نژاد مسأله را به این شکل توضیح می‌دهد که اصل ماجرا با تمرکز یک حمله تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی آغاز می‌گردد. "ما الان اطلاعات دقیقی داریم که آمریکائی‌ها یک سناریوی نوشته‌اند که جنگ تبلیغاتی سنگینی علیه ایران راه اندازند و این حرف‌هایی که رئیس جمهور روسیه زد، در واقع آگهی پخش آن نمایش است. در این سناریو به گستردگی وارد می‌شوند و برخی از افرادی را که دزدیده‌اند و به آمریکا برده‌اند و حرف‌هایی از آنها کشیده‌اند و این به تصور خودشان یک نمایش‌نامه کامل است. شروع می‌کنند به جنگ سنگین تبلیغاتی و افراد مختلف پشت سر هم حرف می‌زنند و بعدش هم برخی از کشورهای منطقه را مورد هجوم قرار بدهند برای این که ما را

تحت فشار قرار دهند. این کلیت این سناریوست. همچنین با برخی‌ها در منطقه ما هماهنگی کرده‌اند، با برخی‌ها در داخل کشور هماهنگ کرده‌اند و این مسأله را کلید زده‌اند."

خیلی حرف است که بتوان باور کرد، قدرت‌های جهانی نقشه‌ای علیه جمهوری اسلامی تهیه کرده‌اند و حتی قصد دارند به سوریه و لبنان حمله نظامی کنند، اما احمدی‌نژاد و جمهوری اسلامی از جزئی‌ترین مسائل آن نیز آگاهی یافته باشند. اگر این مسأله از سوی برخی مقامات دیگر جمهوری اسلامی و نیز سرکرده حزب‌الله لبنان مطرح نمی‌شد، در آن صورت می‌شد ان را سناریوی احمدی‌نژاد نامید. به هر حال آنچه که فعلا می‌توان گفت، این است که احمدی‌نژاد چیزی را شنیده، اما شاخ و برگ خود را بر آن افزوده است. احتمال درگیری نظامی میان اسرائیل و حزب‌الله لبنان و حتی درگیری با سوریه همواره وجود داشته و دارد، اما نزاع حادثتر و جدی‌تر با جمهوری اسلامی است. سران جمهوری اسلامی به خوبی می‌دانند که سرانجام قطعنامه‌های شورای امنیت و تحریم‌های اقتصادی و سیاسی اروپا و آمریکا درگیری نظامی خواهد بود. این‌ها فقط دستاویزهایی هستند که در شرایط مناسب، قدرت‌های اروپائی و آمریکا می‌توانند حتی برای درگیری نظامی از آن‌ها استفاده کنند. خیلی بعید است آنگونه که سران جمهوری اسلامی مطرح می‌کنند، تا سه ماه دیگر اوضاع منطقه خاورمیانه، چنان تغییری به نفع این قدرت‌ها کرده باشد که بخواهند، جنگ دیگری را در منطقه بر افروزند. اما این مسأله نیز به قوت خود باقی است که با توجه به روندی که نزاع جمهوری اسلامی با قدرت‌های جهانی تا به امروز طی کرده است، راه‌حلی دیپلماتیک بر این نزاع نیست و بالاخره روزی خواهد رسید که کار به درگیری نظامی بکشد. خلاف اظهارات احمدی‌نژاد، هیچ زمانی هم نمی‌توان برای آن پیش بینی کرد. چنین به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی نیز به خوبی ته ماجرا را خوانده است و آنچه که اکنون احمدی‌نژاد و یا دیگر مقامات سیاسی، نظامی و امنیتی رژیم در این باره می‌گویند، زمینه‌سازی ذهنی برای شرایطی است که این درگیری نظامی می‌تواند رخ دهد.

این هم "راهکار ریشه‌نی"

علی لاریجانی رئیس مجلس ارتجاع اسلامی از سوی برخی گروه‌های درون و بیرون مجلس تحت فشار قرار گرفته است تا در قبال تبدیل شدن روزافزون مجلس به زائده دستگاه اجرائی احمدی‌نژاد واکنشی نشان دهد و به اصطلاح از استقلال مجلس در برابر دست‌اندازی‌ها، تعرضات و قانون شکنی‌های قوه اجرائی صیانت کند. ظاهراً آنهایی که از استقلال قوه مقننه سخن می‌گویند، گویا فراموش کرده‌اند که در جمهوری اسلامی، مجلس هم، همانند دیگر قوا و نهادهای موجود، تحت امر و فرمان ولی‌فقیه قرار دارد که در رأس هرم استبدادی است. و همواره استقلالش در آن حد بوده است که با نظر و مواضع ولی‌فقیه در تضاد قرار نگیرد. موضع کنونی خامنه‌ای هم بر کسی پوشیده نیست. او خواهان حمایت و پیروی مجلس از قوه اجرائی و در رأس آن احمدی‌نژاد است. علاوه بر این، بحران‌هایی که جمهوری اسلامی با آن رو به روست و روندی که تحول اوضاع سیاسی به خود گرفته است، راه دیگری جز تقویت روزافزون دستگاه اجرائی و تبدیل شدن قوه مقننه به زائده آن، برای رژیم باقی نگذاشته است. بنابر این نه کاری از رئیس مجلس ساخته است و نه به اصطلاح نمایندگان مجلس.

به هر رو، رئیس مجلس ناگزیر شد در این هفته، از ارگان تحت امرش دفاع کند و بگوید وظیفه مجلس فرمانبرداری از قوه اجرائی نیست و تا کنون هم باجی به آن نداده است. از جمله وی گفت: "برخی می‌گویند مجلس در حال باج دادن به دولت است. اگر رابطه دولت و مجلس خراب باشد، آنگاه دیگر نباید باج دهد. اصولاً مسلک و کلیت مجلس

اینگونه نیست که در امور مربوط به ملت باج دهد. این اصطلاح خوبی نیست. به نظر بنده روابط دولت و مجلس می‌تواند خیلی بهتر از این باشد. ولی در عین حال فعلاً این روابط بر اساس یک منهج قانونی است. "لاریجانی می‌خواهد بر واقعیتی سر پوش بگذارد که از روز هم روشن‌تر است. رئیس دستگاه اجرائی رژیم کم‌ترین اعتباری برای مجلس قائل نیست. مصوبات مجلس را اجراء نمی‌کند و مصوبات خود را نیز حتا برای اطلاع، به مجلس نمی‌فرستد. هم زمان با اظهارات رئیس مجلس، باهنر معاون نظارت مجلس گفت: این که از سوی مسؤولین دولتی عنوان شود که دولت امکان اجرای فلان قانون را ندارد و یا عدم ارسال مصوبات دستگاه‌های اجرائی به هیأت تطبیق مجلس، یک حالت طبیعی در کشور نیست و این کوتاهی دولت است که مصوبات خود را برای رسیدگی برای رئیس مجلس ارسال نمی‌کند.

نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، صریح‌تر واقعیت رابطه قوای مقننه و اجرائی رژیم را بازگو می‌کند و می‌گوید: "متأسفانه از طریق رسانه‌ها خبردار می‌شویم که برخی قوانین از سوی دولت یا اجراء نمی‌شود یا به دقت پیاده نمی‌شوند. مجلس، ابزار کلیدی برای نظارت ندارد. برای رفع اینگونه تخلفات که از سوی قوه مجریه رخ داده است، باید رهکارهای ریشه‌ئی طراحی شود." راهکار ریشه‌ئی!

واقعیت این است که برای جمهوری اسلامی راهکاری ریشه‌ئی‌تر از این وجود ندارد که یک سره بساط مجلس اسلامی برچیده شود، تا رئیس آن ناگزیر به کتمان حقیقت نشود. کمیسیون نظارت تهدیدات توخالی سر ندهد و کمیسیون‌های رنگارنگ مجلس، هر روز از عدم اجرای مصوبات مجلس توسط دستگاه اجرائی شکوه و شکایت نکنند. این هم یک راهکار ریشه‌ئی برای جمهوری اسلامی در شرایط کنونی.